

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۱۱



نویسنده: ن . جلیل زاد

تاریخ را نمی توان به دار زد روزی از خاک برمی خیزد

۱۱ اگست ۲۰۲۶



ملتی که فرزندان را در خون غلتانده دیده، حق دارد بداند، حق دارد بشنود، و حق دارد بر مزار قربانیانش، نام حقیقت را حک کند. زیر خاکستر دروغ، حقیقت هرگز نمی میرد. سکوت خلقی پرچمی ها ، خود بلندترین فریاد گناه است. حقیقتی که خاکستر دروغ نمی تواند برای همیشه بپوشاند. در برابر تحریف تاریخ: سکوت مجرمان، شهادت خود تاریخ است. امانت خون: مسئولیت ملی ما در برابر حافظه هفتم ثور. در دفاع از حقیقت تاریخی

فاجعه هفتم ثور و مسئولیت ما در برابر تاریخ.

قتل داوود خان و اعضای خانواده اش در شب هفتم و هشتم ثور سال

۱۳۵۷ یکی از تلخ ترین و خونین ترین ورق های تاریخ معاصر افغانستان است .

این حادثه صرفاً یک رویداد سیاسی نبود، فاجعه ای بود که با خون یک خانواده شرافتمند ، سرنوشت یک ملت را به گونه ای دگرگون کرد که تا امروز آثار آن در روح و روان افغان ها باقی است .

اسناد و شواهد فراوان تاریخی، از جمله روایت های مستقیم بازماندگان و شاهدان عینی، به روشنی نشان می دهند که این کشتار به دست کودتاجیان خلقی پرچمی صورت گرفت .

این واقعیت، با انبوهی از مدارک مکتوب، شهادت های شفاهی، و تحقیق های تاریخی مستند شده و امروز برای هر محقق منصف، امری اثبات شده و غیرقابل انکار است.

با این حال، هرگاه حقیقتی به این عظمت و تلخی در معرض کوچک نمایی، ابهام آفرینی، یا تحریف قرار گیرد، وظیفه هر انسان آگاه و هر محقق صادق است که در برابر آن بایستد. کاستن از عمق این فاجعه، یا تلاش برای مبهم کردن مسئولیت تاریخی آن، هرچند با چه انگیزه ای صورت گیرد، در نهایت چیزی جز خدمت به تحریف تاریخ نیست .

تاریخ یک ملت، امانتی است در دست نسل های حاضر برای نسل های آینده. و کسی که نمی داند تاریخ چیست و ماهیت تاریخ ، طبیعت تاریخ و مورخ کیست ، اجازه ندارد در مسند داوری تاریخ بنشیند و حکم صادر کند ، و کسی که در این امانت دست کاری ، جعل و تاریخ دزدی و تاریخ فروشی می کند، چه آگاهانه و چه از سر غفلت و ساده لوحی ، بار سنگینی از مسئولیت اخلاقی و ملی را بر دوش می گیرد.

در جهان امروز، با پیشرفت تکنالوژی های دیجیتال، امکان ساخت و پرداخت محتوای دست کاری شده، اعم از تصویر و صدا، به شدت افزایش یافته است .

این واقعیت ایجاب می کند که در برخورد با هر سند جدید، به خصوص اسنادی که ادعای افشای حقایق تاریخی حساس را دارند، دقت علمی و احتیاط روش شناسی به کار گرفته شود .

اما این احتیاط باید از سر تعهد به روش تاریخ نگاری باشد، نه ابزاری برای انکار یا کم رنگ کردن فجایعی که با ده ها و صد ها سند مستقل داخلی و خارجی دیگر نیز تأیید شده اند. تفاوت میان نقد علمی یک سند و انکار یک واقعیت تاریخی مسلم، تفاوتی بنیادین است که نباید با یکدیگر خلط شود.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

نکته درخور تأمل دیگر، سکوت طولانی و پرمعنای عاملان و طراحان آن کودتاست . کسانی که مسئولیت مستقیم یا غیرمستقیم این حادثه را بر عهده داشتند، در طول نزدیک به پنج دهه، هیچ گاه توضیح روشن، منسجم و قابل اثباتی درباره چگونگی وقایع آن شب ارائه نکرده‌اند . این سکوت مرگبار ، به خودی خود، یکی از قوی ترین شواهد غیرمستقیم است . در منطق تاریخ نگاری، سکوت طولانی کسانی که در موضع پاسخ گویی قرار دارند، و از عاملان این رویداد خونین هستند ، هرگز به معنای بی گناهی نیست ، برعکس، اغلب نشان های از اجتناب از رویارویی با حقیقتی است که تاب گفتن ندارد.

باید یادآور شد که در هیچ کجای جهان، حقایق تاریخی برای همیشه در زیر خاکستر فراموشی یا دروغ مدفون نمی مانند . تجربه تاریخ بشری نشان داده که دیر یا زود، اسناد، شهادت ها، و مدارک نو ظهور می کنند و روایت واقعی را بازمی سازند . این قانونی است که هیچ قدرتی، هیچ روایت رسمی، و هیچ سکوت سازمان یافته ای نمی تواند برای همیشه در برابر آن مقاومت کند .

از همین رو، مسئولیت تاریخی ما، چه در نقش محقق و جستجو گر و چه در نقش شهروند آگاه، این است که با روحیه ای عاری از غرض ورزی، اما با قاطعیت کامل، از راستی تاریخی دفاع کنیم.

منافع ملی و تاریخی افغانستان ایجاب می کند که در برابر هرگونه کوششی برای تحریف یا کم رنگ کردن این فاجعه، با منطق و استدلال محکم ایستادگی شود ، نه با پرخاش و برچسب زنی، بلکه با ارائه سند در برابر سند، شاهد در برابر ادعا، و تحلیل علمی در برابر ابهام پراکنی .

تاریخ نویسی حرفه ای اقتضا می کند که مورخ، خود را از منافع شخصی، حزبی، یا خانوادگی یا ساده باوری برهاند و صرفاً در پی کشف و ثبت حقیقت باشد .

کسی که وارد این میدان می شود، باید بداند که تاریخ با واقعه نگاری صرف تفاوت دارد ، مورخ موظف است رویدادها را در بستر علی و شواهد مستند تحلیل کند، نه آنکه صرفاً روایتی را بازگو یا رد کند بر اساس ترجیحات شخصی.

در نهایت، احترام به حافظه قربانیان این فاجعه ، داوود خان و اعضای خانواده محترم اش ایجاب می کند که با هرگونه تلاش برای مخدوش کردن حقیقت تاریخی این حادثه، با شفافیت و منطق برخورد شود .

این وظیفه ای است که فراتر از هرگونه وابستگی سیاسی یا حزبی قرار دارد ، وظیفه ای ملی، اخلاقی، و تاریخی . حفظ حقیقت تاریخی، حفظ کرامت یک ملت است، و هر نسلی که در برابر این امانت، خاموش بماند یا سهل انگاری کند، در برابر نسل های آینده پاسخ گو خواهد بود.

واپسین حرف ها را جمع می کنم و بار دیگر تأکید می کنم

تاریخ را نمی توان به دار زد، روزی از خاک برمی خیزد.

قتل داوود خان و اعضای خانواده اش در شب هفتم و هشتم ثور سال ۱۳۵۷ یکی از تلخ ترین و خونین ترین ورق های تاریخ معاصر افغانستان است .

آن شب، نه تنها یک زعیم ملی و خانواده اش قربانی شدند، بلکه چیزی فراتر از یک جان، چیزی از روح این سرزمین به خاک افتاد .

اما تاریخ، هرچند در آن شب خونین به سکوت واداشته شد، هرگز نمرد .

تاریخ را نمی توان به دار زد ، روزی، از میان خاکستر و فراموشی تحمیلی، سر برمی آورد و حقیقت خویش را فریاد می زند.

نزدیک به پنج دهه از آن فاجعه ای غمناک گذشته، و در تمام این سال ها، عاملان آن کودتای خونین در سکوتی سنگین و پرمعنا فرو رفته‌اند .

اما این سکوت، خود بلندترین فریاد گناه است. کسی که در برابر پرسش های تاریخ زبان به سخن نمی گشاید، در حقیقت با خاموشی خویش، به حقیقتی که از گفتنش می هراسد، اعتراف می کند .

ملتی که فرزندان را در خون غلتانده دیده، حق دارد بداند، حق دارد بشنود، و حق دارد بر مزار قربانیانش، نام حقیقت را حک کند.

زیر خاکستر دروغ، حقیقت هرگز نمی میرد .

این قانونی است کهن تر از هر قدرت و هر روایت رسمی، قانونی که در طول تاریخ بشر بارها به اثبات رسیده است .
هر آنچه با زور پنهان شود، روزی با نیروی حقیقت آشکار می گردد، و هر آن که در پی دفن حقیقت باشد، خود در گور فراموشی مدفون خواهد شد، نه حقیقت.
امروز، وظیفه ما، وارثان این خاک و این خون، دفاع از امانتی است که در دل تاریخ به ودیعت گذاشته شده .
این امانت خون، مسئولیتی ملی است، مسئولیتی که از ما می خواهد در برابر هرگونه تلاش برای کوچک نمایی یا تحریف این فاجعه، با صدایی رسا و منطقی استوار بایستیم .
حافظه هفتم ثور، حافظه یک ملت است، و حفظ آن، حفظ کرامت و هویت ماست.
بگذار نسل های آینده بدانند: در این سرزمین، هیچ جنایتی برای همیشه در پرده نمی ماند. صدای قربانیان، هرچند سال ها خاموش نگاه داشته شود، روزی طنین انداز خواهد شد .
و آن روز، تاریخ، با غرور، از دل خاک برمی خیزد تا حقیقت را بر تارک زمان بنشانند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد